



۲۰۱۳/۰۹/۲۷

ع، نیما

قمار را که باختی حریف را از دست نده!

استقبال حکومت افغانستان از آزادی ملا برادر یک سیاست سوخته و در بهترین حالت، نوعی از بازی سیاسی بدون سرانجام است. با این که حکومت و شورای عالی صلح همواره روی آزادی زندانیان طالبان تأکید دارند و حتی رهایی آنان را به نوعی همکاری حکومت پاکستان و یا ایالات متحده توصیف می‌کنند، اما عاجز از توضیح این نکته اند که تا حال رهایی زندانیان طالب از زندان‌های بگرام و یا پاکستان، چه کمکی به روند صلح و یا تغییر نظرات تدریجانه طالبان نسبت به حکومت افغانستان کرده است.

حکومت بصورت سربسته به افکار عامه کشور می‌گوید که رهایی طالبان از زندان به روند صلح کمک می‌کند. حکومت پاکستان نیز با همین پیش فرض ملا برادر را از زندان آزاد کرد. اما در عمل گزارش‌هایی حاکی از آن است که زندانیان رها شده، چه انتحاری، چه قوماندان و جنگجوی عادی، دوباره در صفوف طالبان جذب می‌شوند. از جمله به نقل از ۸ صبح، خبرگزاری فرانس پرس به نقل از زره ور زاهد قوماندان پولیس ولایت غزنی گزارش داده طالبانی که از زندان‌های دو کشور آزاد شده‌اند، به جبهات جنگ برگشته‌اند.

او گفته است: «ما زندگی خود را به خطر روبه رو می‌سازیم و آنها را دستگیر می‌کنیم، اما حکومت مرکزی آن‌ها را به بهانه‌های مختلف رها می‌کند.» به گفته قوماندان پولیس غزنی، اخیراً چهل تن به شمول چند قوماندان ارشد گروه طالبان از زندان مرکزی این ولایت به دستور رییس جمهور کوزی آزاد شدند، اما این افراد دوباره به میدان جنگ باز گشتند.



محمدعلی احمدی، معاون والی غزنی هم به این باور است که رهایی افراد طالبان هیچ کمکی به روند صلح نکرده است. به گفته آقای احمدی، کسانیکه به قتل و کشتار افراد بیگناه و همچنان مقامات حکومتی دخیل هستند، باید مجازات شوند.

معاون والی غزنی هم چنان می‌گوید: «حکومت مرکزی می‌داند که طالبان زندانی پس از رهایی، به میدان جنگ باز می‌گردند و این اقدام در روند صلح کمک نمی‌کند.» اسماعیل قاسمیار، مسوول روابط بین‌المللی شورای عالی صلح، می‌گوید این شورا نمی‌داند که افراد رها شده طالبان به کجا رفته‌اند و مشغول چه کاری هستند.

حرف‌های آقای قاسمیار از این جهت جالب است که به خوبی «سیاست رهایی زندانیان طالب به امید تحکیم صلح» را که از پالیسی‌های اصلی حکومت است، ناکام نشان می‌دهد. معمولاً یکی از خصلت‌های منفی حکومت هم این است که به جای تجدید نظر و ارزیابی مجدد پالیسی‌های خود به تداوم آن‌ها پرداخته و از همه مهم‌تر اینکه به افکار عامه نیز در ارتباط به ناکامی‌های پالیسی‌ها توضیح نمی‌دهد.

اکنون سؤال همه این است که آزادی ملا برادر در این چارچوب چه معنی دارد؟

در قدم اول باید در نظر داشت که رهایی زندانیان طالب خدمتی به این گروه است و نه غیر از این. زیرا این افراد در صورتیکه مورد اعتماد قرار بگیرند-

■ دوباره به نزد گروه خود برگشته و سلاح قتل و نفرت را علیه حکومت و مردم عادی بر می‌دارند.

پس استفاده تبلیغاتی پاکستان از رهایی زندانیان طالب در قدم نخست نفع سیاسی برای این کشور داشته و حکومت افغانستان با هیچ ایقانی نمی‌تواند روی تأثیرات رهایی محبوسین تأکید کند.

طبیعی است که تیم آقای کوزی از آزادی زندانی‌هایی چون ملا برادر حساب و کتاب خود را دارند. اما برای مردم خود این حساب و کتاب‌ها را جز با تحویل دادن برخی جمله و بیانیه‌های مبهم، به روشنی توضیح داده نمی‌توانند. در بهترین حالت می‌توان گفت که آن‌ها تنها یک امید ساده به یک نتیجه مبهم دارند، اما نتیجه این امید ساده، عواقب خطرناکی در پی داشته است. قوماندانان آزاد شده با کینه بیشتر به قتل مردم ملکی پرداخته، عساکر افغان را

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکني دليکنيزي بني پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

کشته و مقامات را ترور کرده اند. قربانیان بهای محاسبه غیر سنجشی حکومت افغانستان را پرداخته اند. نباید از یاد برد که زندانیان طالب در حالی رها می شوند که هیچ روندی به نام «گفتگوهای صلح» با طالبان وجود ندارد. معمولاً دولت‌ها و گروه‌های شورشی زندانیان و اسیران را در روند تبادل رها می کنند. ولی حکومت مهره های مهم طالب را در بدل چه چیزی رها می کند؟ انگار فقط ارگ امیدوار است که رها شدگان زمینه های حسن نیت با گروه طالبان را فراهم سازند.

اینکه حکومت به اینگونه پالیسی‌های مبهم در ارتباط به طالبان دل می بندد، نه نشانه سنجش که روایت روشن از ناتوانی‌های حکومت در ارتباط به تعیین پالیسی‌های متمرکز در ارتباط مصالحه با طالبان است. حکومت در گذشته نشان داده است به جای فکر کردن روی ستراتیژی‌ها و برنامه های دراز مدت به راهکارهای کوتاه مدت و روزمره دل می بندد. معمولاً به کشورهای دیگر در ارتباط به برخورد با گروه‌های شورشی توجهی نمی کند، از تجربیات گذشته نمی آموزد و فقط با یک امید مبهم به ادامه پالیسی‌های گذشته می پردازد.

ولی فراتر از این نباید از یاد برد که نقش پاکستان در این رابطه اساسی است. قبلاً ملا برادر بیرون از کانال پاکستان تماس‌هایی با حکومت افغانستان داشت. یکی از دلایل به زندان افگندش نیز همین بود. واضح است که پاکستانی‌ها از گروه طالبان استفاده ستراتیژیک کرده و هدفش روی کار آمدن یک حکومت طرفدار پاکستان و مخالف هند در کابل است. برای همین، به گروه طالبان در خاک خود پناهگاه داده و از آنان حمایت تخنیکی و لوژستیک می کند؛ چنان که این کار را در جریان جهاد در مورد مجاهدین انجام می داد.

طبعاً در شرایط فعلی درست ترین سیاست متقاعد کردن پاکستانی‌ها به تغییر پالیسی در قبال افغانستان است. ولی پاکستانی‌ها در برابر این کار یک سلسله امتیازات غیر معقول - مانند محدود کردن روابط کابل با دهلی جدید را طلب می کنند. ولی واقعیت این است که آقای کرزی در ارتباط به پاکستان و طالبان، چوب بی کفایتی‌های خود را می خورد. از اینرو، حکومت بعدی با تجربه دهشت بار حکومت کرزی در برابر طالبان بیاموزد که بدون تشکیل یک حکومت قوی و ملی، حل معضل طالبان به سادگی میسر نیست.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ